

قلمروهای دفاعی بیرونی دولت

دکتر یدالله کریمی پور - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه تربیت معلم

دکتر حسن کامران - استادیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران

پذیرش مقاله: ۸۱/۱۰/۲

چکیده

دولت‌ها همواره با دو نوع تهدید یا با دو مرکز تهدید روبرو می‌باشند: داخلی و خارجی. حکومت‌ها در برابر تهدیدات داخلی، از نیروهای سرکوب، پلیس، دادگاههای حقوقی و زندانها استفاده می‌کنند و در رویارویی با تهدیدات خارجی، از دستگاه دیپلماسی، تشکیلات جاسوسی و در نهایت از نیروهای نظامی به عنوان سپر دفاعی بهره می‌گیرند (رنجبر، ص ۲۱، ۱۳۷۸). واکنش بر ضد تهدیدات خارجی در سطح دولت، ملی بوده که به صورت متمرکز و کنترل شده انجام می‌پذیرد. در ابتدای قرن بیست و یکم و در آستانه هزاره سوم میلادی، باید بپذیریم که منشاء بسیاری از مسائل جهانی به تحولات استراتژی‌های نظامی وابسته و پیوسته است. ادبیات پایه‌ای سیاسی - نظامی در کشور ما، بویژه در سطح محیط‌های پژوهشی، گاهی فقیر و بیشتر ترجمه‌ای است. اصولاً جغرافیدانان کشور ما، میل و رغبت چندانی برای ورود به مفاهیم و موضوعات دفاعی ندارند، که البته چرایی آن، خود می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی باشد. براین اساس و به عنوان راهکاری برای پُر کردن خلاء استراتژی دفاعی دولت‌ها، مقاله حاضر که در واقع بخش کوچکی از پژوهشی پایه‌ای تحت عنوان «روش شناخت مناطق استراتژیک» می‌باشد، تنظیم گردیده است. کوشش محوری این مقاله بر آن است که قلمروهای دفاعی دولت‌ها را در محیط‌های بیرونی در چارچوبی واقعی و ملموس که منطبق با شرایط جمهوری اسلامی ایران باشد؛ طبقه‌بندی نماید.

واژگان کلیدی: قلمرو، دفاع، دولت، بیرون، منطقه، قدرت.

مقدمه

بیشتر استراتژیست‌ها، بویژه نویسندگان مسائل و تاریخ استراتژی، مطالعه در مورد مفاهیمی همچون قلمرو جنگ^(۱)، قلمرو حساس^(۲) و قلمرو فرار^(۳) را در حیطه استراتژی قدرتهای فرامنطقه‌ای یا حداکثر منطقه‌ای دانسته و از

1- ware realm

2- Sensitwe realm

3- Fought realm

تعمیم و گسترش آن به سایر دولت - ملت‌ها^(۱) پرهیز کرده‌اند (لسلی، ۱۹۸۶ - فریدام ۱۹۸۵). این در حالی است که بنا به ملاحظات زیر، ضرورت شناخت چنین مناطقی برای قدرتهای ناحیه‌ای و محلی^(۲)، کمتر از قدرتهای فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای نیست:

۱- بیشتر قدرتهای فرامنطقه‌ای به دلیل بازار بزرگ داخلی و خوداتکایی نسبی، در مقایسه با دولتهای ناحیه‌ای و محلی، نیاز کمتری به بازارهای بیرونی دارند. تأمین چرخه دائمی نیازهای وارداتی و صدور چند کالای ویژه و استراتژیک برای دستیابی به ارز، که از ویژگیهای کشورهای در حال توسعه است، نیاز دولت‌های کوچک را به بازارهای جهانی بیش از پیش آشکار می‌سازد. به همین دلیل، امنیت قلمروهای بیرونی این گونه دولتها همانند امنیت راههای دریایی، نقش حیاتی برای این کشورها دارد.

۲- در پنجاه سال اخیر، فضای سرزمینی تعداد زیادی از دولت - ملت‌های کوچک، صحنه جنگ، رقابت و درگیری بوده است. در حالی که در همین مدت قلمرو تحت حاکمیت هیچ یک از قدرتهای فرامنطقه‌ای مورد تجاوز قرار نگرفته است. در واقع بیشتر جنگها در این دوره طولانی در مناطق حیاتی دولت‌های کوچک و متوسط در جریان بوده است.

۳- استقلال، تمامیت ارضی و حتی بقای ملی بیشتر قدرتهای محلی و ناحیه‌ای و تعدادی از قدرتهای منطقه‌ای در گروهی حفظ منافع حیاتی بیرونی آنها است؛ در حالیکه قدرتهای بزرگ با توجه به حجم بزرگ اقتصاد و تعداد مناطق حیاتی درونی، نیاز کمتری به مناطق بیرونی دارند. به عبارت دیگر امروز اقتصاد خود هدف گردیده و بسیاری از امکانات سیاسی دولت‌ها در جهت آن بکار گرفته می‌شود؛ بطوریکه اساساً رسیدن به امنیت بدون دسترسی به ارزشهای اقتصادی و منافع حیاتی امری ناشدنی گشته است. از همین رو در سیاست و حکومت بسیاری از کشورها، مسائل داخلی اولویت جدی پیدا کرده است (رنجبر، ص ۱۱۵، ۱۳۷۸).

روش تحقیق

روش مطالعه این پژوهش بنا به اهمیت موضوع آن، تحلیلی - توصیفی و در عین حال، بهره‌گیری از قیاس در مقیاس وسیع آمده است. در حقیقت پس از گردآوری منابع، استخراج نکات پایه‌ای و فیش برداری از آنها، تنظیم اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده‌ها صورت پذیرفته است. شاخصهای انتخاب قلمروهای دفاعی براساس میزان و نوع ارتباطی که با امنیت ملی و اصول آن دارند، گزینه شده‌اند که در متن بحث جزئیات آن و دلیل انتخاب مشخص گردیده است.

طبقه‌بندی قلمروهای دفاعی بیرونی

فضای دفاعی - محیطی دولت‌ها از خط مرزی و حد بیرونی دریای سرزمینی^(۳) (برای کشورهای ساحلی) به طرف درون و برون خشکی به دو قلمروی دفاعی درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. اغلب (بویژه در مورد قدرتهای ناحیه‌ای، محلی و منطقه‌ای) قلمرو دفاعی درونی را محل مأموریت ارتشها دانسته‌اند و به همین دلیل، هدفها، ساختارها، فناوری و آموزش این ارتشها برای پاسداری از همین فضای محیطی طراحی شده‌اند.

همانگونه که در چکیده بیان شد؛ بیشتر نویسندگان مسائل استراتژی، قلمروهای دفاعی بیرونی را ویژه قدرت

جهانی و قدرتهای فرامنطقه‌ای می‌دانند.

قلمروهای دفاعی یا نظامی بیرونی بیشتر دولت - ملت‌ها، بویژه کشورهای ساحلی را می‌توان براساس میزان و نوع ارتباطی که با امنیت ملی و اصول آن دارند به سه بخش یا سه قلمرو متفاوت تقسیم کرد (لسلی، ۱۹۸۶ - فریدام، ۱۹۸۵):

۱- قلمرو جنگ بیرونی

۲- قلمرو حساس بیرونی

۳- قلمرو فرار بیرونی

- قلمرو جنگ بیرونی

قلمرو یا منطقه جنگ بیرونی کشور در واقع منطقه یا قلمرویی است که از دست رفتن آن، یا با چیرگی دشمن و رقیب بر فضای آن، امنیت ملی را مورد مخاطره قرار می‌دهد که در واقع منطقه یا مناطق حیاتی برای تداوم بقای ملی است. واکنش طبیعی دولت‌ها در برابر هر اقدامی که منجر به احساس از دست رفتن این قلمرو باشد، اعلان جنگ فوری، بدون انقطاع و در صورت توانایی، قهری است (کریمی‌پور، ص ۸۲، ۱۳۷۶).

در واقع دولت‌ها به محض از دست دادن مناطق حیاتی بیرونی، بدون درنگ واکنش نشان داده و با توجه به قابلیت‌ها و تواناییهای ملی از جمله توانایی نظامی در برابر از دست رفتن آن، موضعی قاطع، فوری و متمایل به استفاده از حداکثر ظرفیت را اتخاذ می‌کنند.

قلمروها و مناطق جنگ یا حیاتی به اعتبار واقعی یا کاذب بودن و نیز نسبتی که با قلمرو دیگر دولت‌ها دارند، به چند بخش تقسیم می‌گردند:

۱- قلمرو اختصاصی

قلمرو جنگ بیرونی اختصاصی یا ویژه قلمرویی است که تنها برای یک ملت، جنبه حیاتی داشته و بیشترین دلمشغولی جهت پاسداری از آن نیز برای همان دولت است. به عبارت دیگر، منطقه جنگ بیرونی اختصاصی به بقای کشور واحدی مرتبط است. برای مثال: نوار شرقی اروپای شرقی که حائل و سپر دفاعی سرزمینی برای دفاع از روسیه است، از نظرگاه مسکو، قلمرو ویژه‌ای است که دفاع تاریخی از سرزمین مادری در برابر یورشهای تاریخی از سوی غرب را مانع شده و یا کند می‌سازد.

بنابراین، برغم اضمحلال و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۹۱، روسها این منطقه را قلمرو دفاعی حیاتی تشخیص داده و حضور جدی هیچ بیگانه‌ای را در آن تحمل نخواهند کرد (توماس وین، ص ۲۱-۵، ۱۹۹۴). چین نیز به عنوان قدرتی فرامنطقه‌ای که کمتر حاضر به استفاده از زور در مناقشات است، از سال ۱۹۴۵ تا کنون کوچکترین تهدید علیه کره شمالی را به سختی پاسخ داده و یا به صورت همه جانبه به مقابله با تهدیدکننده برخاسته است (تب، ۱۹۹۴).

۲- قلمرو مشترک دو جانبه

منطقه‌ای است که به صورت پوششی و انطباقی، قلمرو حیاتی دو کشور بوده و امنیت ملی دو دولت را بیرون از

فضای سرزمین ملی تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، دو دولت و ملت وظیفه پاسداری از آنرا به صورت مشترک در دستور کار قرار داده است. بقای ملی کشورهای مصر و سودان در گرو جریان طبیعی و کمتر تغییرپذیر رودخانه نیل است (کریمی پور، ص ۱۲، ۱۳۷۵). در حالیکه این دو کشور نقش و تأثیر ناچیزی در میزان دبی آن دارند. رودخانه نیل دو ملت را چنان به یکدیگر پیوند داده که احتمال شکاف تاریخی بین آنها به سختی قابل تصور است. جریان طبیعی رودخانه فرات که از آناتولی سرچشمه می‌گیرد نیز برای کشورهای سوریه و عراق حیاتی است (فرشاد گهر، ص ۱۵۱، ۱۳۶۷)؛ و طی دهه‌های اخیر یکی از زمینه‌های نادر همبستگی و هماهنگی دو ملت مذکور در برابر ترکیه بوده است.

۳- قلمرو مشترک چند جانبه

منطقه یا قلمرویی است که به دلیل اهمیت فوق‌العاده و حیاتی آن برای چند کشور، دولت‌های ذینفع کوشش و تلاش مشترک و هماهنگی را برای پاسداری از آن بکار می‌برند. به عبارت دیگر، پاسداری از این قلمروها در برابر عوامل تهدیدکننده، وظیفه طبیعی مشترک برای تمامی دولت‌هایی است که دارای منطقه حیاتی مشترک می‌باشند. پاسداری و حراست از خطوط دریایی خلیج فارس و دریای عمان برای دولت‌های ایران، کویت، قطر، ابوظبی، دبی، شارجه، رأس الخیمه و تا حدودی عربستان، عراق، اتحادیه اروپایی، ایالات متحده آمریکا، ژاپن و بسیاری از دولت‌های واردکننده نفت خام حیاتی است (کریمی پور، ص ۲۰۲-۲۰۰، ۱۳۸۰). همچنین پاسداری از خطوط مواصلات دریایی بویژه گذرگاهها و تنگه‌های بین‌المللی برای اروپا و آسیای شرقی، ژاپن، کره، تایوان، ایالات متحده، استرالیا و زلاندنو به عنوان دولتهای متکی به تجارت بین‌المللی اهمیت حیاتی دارد. همین نیاز مشترک، زمینه‌های همکاری مشترک دفاعی - امنیتی را بین این دولت‌ها در قالب پیمانهای گوناگون مهیا کرده است (حافظ‌نیا، ص ۴، ۱۳۷۱).

۴- قلمرو متداول

منطقه یا قلمرو جنگ تداخل، سرزمینی است که به دلیل اهمیت حیاتی آن برای دو یا چند دولت بر سر چگونگی و میزان و مدت نفوذ، اختلاف نظرهای عمیق و استراتژیکی وجود دارد. ممکن است این قلمرو تنها برای یکی از کشورها حیاتی و برای طرف دیگر تنها با اهمیت و حساس باشد. اما ویژگی این قلمرو آن است که فضای حاکم بر آن، فضایی رقابت‌آمیز است. برای مثال، کنترل کشمیر که سرشاخه‌های سند را در اختیار دارد، برای دولت پاکستان حیاتی است (حافظ‌نیا، ص ۳۷، ۱۳۷۹). در حالیکه هند، هم به جهت ارزشهای دفاعی و هم به جهت اقتصادی، حاضر به دست کشیدن از آن نیست.

بحرین و قطر نیز حداقل از دهه هفتاد تا کنون بر سر حاکمیت جزیره‌های الحوار اختلاف دارند. در حال حاضر این جزایر به دلیل منابع هیدروکربنی مناسب، با توجه به ناچیز بودن منابع کنونی آن، می‌تواند برای کشور کوچک بحرین نقشی حیاتی ایفا نماید (ولدانی، ص ۳۲۸، ۱۳۷۱). در همین حال، قطر نیز به دلیل ضرورت دفاعی و اقتصادی حاضر به دست کشیدن از الحوار نیست. مناطق نفتی فلات قاره خلیج فارس بین ایران و عربستان، ایران و قطر، ایران و امارات و ایران - بحرین جزو قلمروهای متداخل به شمار می‌رود.

۵- قلمرو مماس

در این حالت، منطقه یا قلمرو جنگ دو یا چند ملت گاه بدون هیچ فاصله‌ای در جوار یکدیگر بوده و در واقع مماس بر همدیگرند. در این وضعیت، دولت‌ها در صورتیکه به بلوغ سیاسی و مرزی نرسیده باشند؛ بجای هماهنگی و همکاری به صورت مستمر، نگاه امنیتی خود را به این قلمروها دوخته و هرگونه تحرّک طرف مقابل را زیر نظر دارند. بخشی از قلمروهای حیاتی «روسیه - ایالات متحده»، «روسیه - کانادا» و «روسیه - نروژ» در اقیانوس منجمد شمالی در واقع در شمار قلمروهای مماس‌اند (شالیان ژراد، ص ۵۲، ۱۳۶۶). قلمروی دریای عمان و اقیانوس هند، با توجه به کنوانسیون ۱۹۸۲ بین ایران - عمان و ایران - پاکستان در شمار قلمروهای مماس است.

۶- قلمرو متروکه

منطقه یا قلمرو متروکه، قلمروی است که در گذشته به عنوان منطقه‌ای حیاتی مطرح بوده و تلاش برای کنترل فضای آن، هدفی استراتژیک بشمار می‌رفته است. اما در حال حاضر به دلایل گوناگون از جمله تغییر در روابط بین‌الملل یا فشار جهت کنترل آن وجود ندارد. برای مثال، روسها طی دو قرن برای در اختیار گرفتن بغازها تلاش کردند و کنترل فضای این گذرگاه برای آنها اهدافی استراتژیک بود؛ اما از سال ۱۹۲۵ به ناچار و با پرداخت تاوان سنگین و خفگی روزمره دریایی، کنترل این تنگه‌ها توسط ترکیه را پذیرفتند. کویت با حداقل جزیره بویان برای عراق، اسلونی شرقی برای اتریش و ایالت سرحد پاکستان برای افغانستان، قلمروهایی متروکه‌اند که در حال حاضر تلاش برای کنترل آن صورت نمی‌گیرد (ولدانی، ص ۳۲۸، ۱۳۷۱).

باید در نظر داشت که قدرت ملی این کشورها به دلیل از دست رفتن این مناطق و نقاط حیاتی به شدت کاهش یافته است. به همین دلیل، همواره این بیم وجود دارد که با دگرگونی عمده در روابط بین‌الملل، این دولت‌ها برای دستیابی مجدد به این مناطق، تهدید خود را از سرگیرند.

۷- قلمرو القایی

جنگ القایی، منطقه یا قلمرویی است که در واقع نقش و کارکرد حیاتی در قدرت ملی کشورها ندارد و یا حداقل پاسداری و کنترل آنها به بقای ملی دولت‌ها آسیب جدی وارد نمی‌آورد؛ اما به دلایل گوناگون از جمله پذیرش مسئولیتهای بین‌المللی، استراتژی نادرست دولت‌ها و تلقین گروههای فشار، به صورت کاذب در شمار مناطق حیاتی بشمار آمده‌اند. ایالات متحده دارای بیشترین قلمروهای جنگ کاذب و القایی در جهان است. دریای مدیترانه، اقیانوس اطلس شمالی، راههای دریایی اقیانوس آرام، خلیج فارس، اروپا و ... در شمار مناطقی هستند که به گمان ایالات متحده، در شمار قلمروهای حیاتی شمرده شده‌اند. این در حالی است که بقاء و امنیت ملی ایالات متحده چندان ارتباطی به پاسداری از این مناطق ندارد.

جان. ام. کالینز در این مورد می‌نویسد:

«آیا امنیت ملی ایجاب می‌کند که ایالات متحده تعداد بی‌شماری پرسنل نظامی در ماوراء بحار مستقر نماید؟ آیا ما به پایگاههای خارجی زیادی نیاز داریم؟ آیا امنیت ملی چنین اقتضا می‌نماید که مالیات دهندگان آمریکایی از بودجه‌ای حمایت کنند که از مجموع بودجه دفاعی هفده کشوری که بعد از آمریکا بیشترین هزینه دفاعی را دارند، بیشتر است!»

(کالینز، ص ۲۳۸-۲۳۷، ۱۳۷۰).

عراق نیز در سال ۱۹۸۰ در شناخت قلمرو حیاتی خود دچار اشتباه آشکاری شد و با لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره و حمله به ایران، تراژدی ۲۲ ساله‌ای را برای ملت خود رقم زد که هنوز ادامه دارد. این در حالی بود که تنگنای دریایی عراق حتی از طریق کنترل یک جانبه بر اروندرود نیز قابل حل نبود.

- قلمروهای حساس بیرونی

اهمیت قلمروهای حساس بیرونی مشابه مناطق است. تفاوت بین این دو در چگونگی رفتاری است که دولت در برابر تهدید دشمن از خود بروز می‌دهد؛ بدین معنی که بین پاتک فوری و مذاکره تردید وجود دارد (کریمی‌پور، ص ۸۷، ۱۳۷۶).

جان.اف. کندی در بحران موشکی کوبا با قاطعیت تمام و دادن آماده باش صددرصد به نیروهای مسلح، اتحاد جماهیر شوروی را به جنگ تهدید کرد (اندرسن، ص ۲۳، ۱۹۸۳)؛ در حالیکه ترومن رئیس جمهوری وقت آمریکا حاضر به پذیرش چنین خطری در مورد کره نشد. در واقع تفاوت بین منطقه جنگ و حساسیت، آن است که در قلمرو اخیر جهت استفاده از سایر ابزارهای اعمال قدرت یعنی پاداش، تنبیه و مذاکره برای تهدیدگر، فرصت کافی وجود دارد که آنرا به تهدید شونده عرضه کند. اما بدست آوردن این فرصت به خاطر کسب آمادگی لازم و مهیا شدن برای استفاده از قوه قهریه است. روند رویارویی ایالات متحده با عراق در قبال تجاوز به کویت نشان داد که خلیج فارس برای این کشور منطقه‌ای حساس تلقی می‌شود (اندرسن، ص ۲۳، ۱۹۸۳).

ایالات متحده، مدتها وقت خود را صرف استفاده از سایر ابزارهای غیر قهری برای واداشتن عراق به عقب نشینی کرد و در این مدت ضمن کسب آمادگی نظامی، به توجیه افکار عمومی جهت هجوم به عراق پرداخت. مدیریت استراتژیک عراق نیز با اشتباه محرز نظامی، این فرصت را برای ماشین دفاعی ایالات متحده آمریکا مهیا ساخت و در زمان نسبتاً طولانی که بین تهدید به هجوم، با هجوم واقعی ایالات متحده فرصت بود، عراق تنها بخش اندکی از توان نظامی خود را برای پیشبرد اهداف استراتژیک خویش در هجوم به عربستان و سایر اعضای شورای همکاری در خلیج فارس به عنوان عقبه دفاعی کویت بکار گرفت!

به طور معمول، در برخورد کوتاه مدت و فوری، توالی و ترتیب بکار بردن نفوذها (استفاده از ابزارهای دیپلماتیک، اقتصادی، تبلیغاتی، روانی و نظامی) صورت نمی‌گیرد و یا بر سرعت آن افزوده می‌شود؛ به نحوی که ممکن است تمام یا قسمتی از این مراحل با یکدیگر عملی گردند. در مجموع، رویارویی با تهدیدگر در منطقه جنگ با استفاده از حداکثر نیرو و در کمترین زمان صورت می‌گیرد؛ در حالیکه روند رویارویی در منطقه حساس در برابر تهدیدگر به دلایل تاکتیکی از جمله امور مرتبط با لجستیک طولانی تر است.

مناطق و قلمروهای حساس بیرونی همانند مناطق جنگ، به قلمروهای حساس اختصاصی، دو جانبه، چند جانبه، متداخل، تماس، متروکه و القایی تقسیم می‌شود.

قلمرو فرار

مناطق یا قلمروهای فرار یا عقب نشینی، مکانها یا سرزمینهایی هستند که برای یک یا چند دولت در حال مبارزه

اهمیت استراتژیک ندارند. به عبارت بهتر، عقب‌نشینی و یا رویگردانی از این مناطق ممکن است پرستیژ ملی را خدشه‌دار نماید؛ اما بقای ملی و اصول آن یعنی وحدت ملی، تمامیت ارضی، استقلال و ارزشهای پایه‌ای و تاریخی ملت با عقب‌نشینی از این مناطق به خطر می‌افتد. عقب‌نشینی ایالات متحده از سومالی و لبنان به پرستیژ ملی این کشور لطمه وارد نمود؛ اما تأثیر چندانی در قدرت ملی این ابرقدرت نداشت. لبنان، فلسطین و سوریه نیز برای جمهوری اسلامی ایران چنین کارکردی دارند. بدین معنی که قطع حمایت ایران از این کشورها و گروه‌های مبارز ممکن است انتقاد برخی کشورها را از جمهوری اسلامی ایران در پی داشته باشد؛ اما بنظر نمی‌رسد که این عمل احتمالی به کاهش قدرت ملی ایران بیانجامد.

دگرگون‌پذیری قلمروهای دفاعی دولت

اصولاً تغییر قلمروهای جنگ و حساس دولت‌ها کند است. حتی تغییر رژیم سیاسی دولت‌ها نیز بندرت در جابجایی مناطق جنگ و حساس دولت - ملت‌ها مؤثر است. در عین حال برخی دگرگونیهای بزرگ از جمله تغییر در سیاست بین‌الملل، تحول در نظام سیاسی منطقه‌ای و تشکیل پیمانهای جدید می‌تواند در دگرگونی قلمروهای دفاعی دولت‌ها تأثیرگذار باشد.

دفاع از اروپای غربی در برابر تهاجم اتحاد جماهیر شوری سوسیالیستی، پاسداری از حوزه مدیترانه و دفاع از نیمکره غربی و جلوگیری از دخالت قدرتهای دیگر در این منطقه، دو اصل در سیاست خارجی ایالات متحده تا سال ۱۹۹۰ بود (پارکر، ص ۳۵، ۱۹۸۹).

اصل مونروته هنوز به قوت خود باقی است. اما بنظر می‌رسد که در اصل نخست یعنی دفاع از اروپا، تغییرات بزرگی رخ داده باشد؛ زیرا اروپا در حال حاضر به سمت استقلال هر چه بیشتر در دیدگاههای امنیتی نسبت به ایالات متحده پیش می‌رود و بعید نیست که خود در آینده تبدیل به جانشین اتحاد جماهیر شوری سابق گردد.

نتیجه‌گیری

شناسایی قلمروهای جنگ، حساس و فرار بیرونی دولت‌ها، ابزاری کلیدی برای تبیین و تدوین استراتژی ملی است. اما در روند شناسایی این قلمروها توجه به نکات ذیل ضروری است:

الف - اصول دفاعی کشور بر پایه شناسایی و ارزیابی قلمروهای جنگ و حساس پی‌ریزی می‌شود. بنابراین دقت در تفکیک مناطق از قلمروهای فرار الزامی است.

ب - شناسایی و تمیز قلمروهای جنگ و حساس دو جنبه و چند جنبه، زمینه‌های اساسی را برای تفاهم منطقه‌ای به ویژه همکاریهای مشترک دفاعی مهیا می‌سازد. همچنین با شناخت قلمروهای تماس و متداخل، زمینه و نوع برخورد مذاکرات استراتژیک با دولت‌های همجوار برای کاهش دادن جدایی‌ها و رویارویی‌های احتمالی فراهم می‌شود. همچنین تمیز قلمروهای جنگ و حساس القایی نیز مانعی عمده برای هدر رفتن نیرو و امکانات ملی است.

ج - تغییر پذیری اولویت‌های ملی در پی تحولات بزرگ بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی، منطقی است و نادیده گرفتن آن، شناسایی دقیق قلمروهای دفاعی را سخت می‌کند.

د - تدوین کنندگان استراتژی ملی باید از تمرکز و غوطه‌ور شدن در رویدادهای تاریخی پرهیز کنند؛ زیرا احتمال

اشتباه شدن مناطق جنگ متروکه بیرونی، با مناطق جنگ واقعی وجود دارد.

ه - در نهایت، نوع استراتژی دفاعی دولت‌ها به شدت تحت تأثیر شناخت دقیق مناطق تهدید واقعی از تهدیدهای کاذب و تهدیدهای پایدار نسبت به تهدیدهای ناپایدارتر است.

منابع و مآخذ

- ۱- جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۷۱، کانونهای بحران در خلیج فارس، انتشارات کیهان، تهران.
- ۲- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۷۱، خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، انتشارات سمت، تهران.
- ۳- حافظ نیا، محمدرضا، ۱۳۷۹، وضعیت ژئوپلیتیکی پنجاب در پاکستان، انتشارات المهدی، تهران.
- ۴- رنجبر، مقصود، ۱۳۷۸، ملاحظات امنیتی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۷، تهران.
- ۵- شالیان ژراد، راووزان پیر، ۱۳۶۶، اطلس استراتژیک جهان، ابراهیم جعفری، انتشارات اطلاعات، تهران.
- ۶- فرشادگهر، ناصر، ۱۳۶۷، نظامی حقوقی، رودخانه‌های بین المللی و ارونرد رود، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه، تهران.
- ۷- کالینز، جان. ام، ۱۳۷۰، استراتژی بزرگ، کورش بایندر، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران.
- ۸- کریمی پور، یدالله، ۱۳۷۵، جغرافیای کشورهای مسلمان، جزوه درسی دانشگاه تربیت معلم کرج.
- ۹- کریمی پور، یدالله، ۱۳۷۶، روش شناخت مناطق استراتژیک کشور، پژوهشی پایه‌ای، مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی، ستاد کل نیروهای مسلح ج.ا.ا. تهران.
- ۱۰- کریمی پور، یدالله، ۱۳۸۰، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان، جهاددانشگاهی، تهران.
- 11- Anderson, B (1983) *imagined, communities*, London: verso.
- 12- Freadam, L. (1986) *AtL Global strategy* macmillan . London
- 13- Leslie W. Hepple (1986) "The revival of Geopolities" *Annals Political Geography. Quarterly supplement to vois*, No 4 Oct
- 14- Thomas Weiss,(1994) *on responsee in the former yogoslavi: moral and operational choices, ethisc and international affairs.*
- 15- Tabb, W.K. (1994) *the post war japanese system* (New York)
- 16- Parker G; (1989) "The Geopolitics of domination". Published in u.s; routeledge.

